

# اخبار

خبرنامه

جمعیت فرهنگی جوان

شماره هشتم | مردادماه ۱۴۰۱ | ۲۰ صفحه

## “سرانجام ۱۲ سال تحصیل”



## خبرنامه "ساحور"

صاحب امتیاز: جمعیت فرهنگیان جوان

مدیر مسؤل: علی فلاحتکار

سر دبیر: امیرحسین سلطانی

هیئت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

مصطفی جمالی، ضیاء الدین سالاری

علی عابدینی، زینب فدوی، شاهین کیارش پور

گرافیک و صفحه آرایی:

امیرمحمد شیرخدا، سجاد رئیسی



## نگاهی دیگر (بخش پایانی)

۲

## عدالت آموزشی

## "سرانجام ۱۲ سال تحصیل"

۷

زینب فدوی و ضیاء الدین سالاری

## تخلفات اداری

## وسازمانی آموزش و پرورش

۱۲

امیرحسین باباجانی پور و امیر سلیمانی

## اقتصاد

## آموزش و پرورش

۱۵

شاهین کیارش پور



خبرنامه



جمعیت فرهنگیان جوان

به شمار زیاد عده و عده دارد. به دیگر سخن اگر معلم به ثروت‌های زیادی نرسیده است در مقابل به سرمایه‌های پایدار و میراث سرشار معنوی دست یافته است که در مقابل خواسته‌های ابتدایی مادی قابل قیاس نیست.

### منزلت معلم

اولین معلم، خود خداوند متعال است. او قبل از اینکه انسان خلق شود، برای ملائکه معلم بود که این موضوع بارها در قرآن مورد تاکید قرار گرفته است. (سوره علق، آیه ۱-۵؛ سوره بقره، آیه ۳۱؛ سوره زمر، آیه ۹؛ سوره مائده، آیه ۳۲ و سوره الرحمن، آیه ۳-۴). پس از خداوند، معلمی مسئولیت، انبیا الهی بوده است و آن گرامیان را به عنوان معلمان بشر می‌شناساند (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴). جامعه و مسئولین در زمینه منزلت و احترام مقام معلم تکلیفی دارند تا این نگاه را به معلم و رسالت تعلیم و تربیت را اصلاح بکنند؛ اما این معلم است که باید با قدرشناسی و اهمیت دادن به جایگاه شغلی؛ خویش را در مکانت شغل پیامبری (حکمت ۹۶) و هدایت‌گری بداند و این نگاه بر شخصیت خویش و قدرشناسی از فرصت‌های تربیتی ارزشمندی را ارتقا و زمینه‌های خدمت را فراخ سازد. معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد و فراتر از شخص به شخصیت خویش معطوف شود تا این نگاه را که مردم خوبی‌ها و شایستگی‌ها و حتی شایستگان را در تراز وجود او می‌سنجند حرمت‌گذاری نماید و از این نگاه پاسداری کند (حکمت ۴۳۶). همانندی شغل معلم با پیامبران؛ قرابت اندیشه و رفتار را اجتناب ناپذیر ساخته و می‌طلبد؛ معلم بسان شمع برای دانش‌آموزان و مخاطبان خویش بسوزد، مهرورزی کند و خوبی و خصلت را محمدی (ص) بنماید (حکمت ۹۶). به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و کلاس قرابت با پیامبران دارد بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می‌آیند. (حکمت ۲۳۲).

### جایگاه علمی و تجربه معلمی

معلم نه فقط به اقتضای شغل خویش حتی در مقام مرجعیت علمی و اجتماعی خویش نزدیک‌ترین‌ها به پیامبران هستند. به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و کلاس قرابت با پیامبران



## نگاهی دیگر (بخش پایانی)

در شماره پیشین به تعلیم و تربیتی از منظر نهج البلاغه نگاهی داشتیم و در این بخش به شاخص‌های معلم از قرآن کریم و نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

### معلم شاخص

انتخاب معلم شایسته و دلیل راه در مسیر تعلیم و تربیت به حدی اهمیت دارد که گاه انبیای الهی، در مقطع خاصی نیز مأمور به این انتخاب می‌شدند. داستان خضر و موسی علیه السلام در سوره کهف در قرآن مجید که داستانی بسیار پر معنی و پرمحتوا است، چهره‌ای از این انتخاب است (سوره نحل، آیه ۱۶؛ سوره کهف، آیه ۶۵؛ سوره انبیاء، آیه ۷). معلم در جامعه محترم است و مردم بدون استثنا از هر قشر و صنفی به ایشان ابراز علاقه می‌کنند. در واقع معلم تاثیر شگفتی و حق حیات معنوی بر بسیاری از اقشار جامعه دارد و دور از انتظار نیست که معلم در همه جا هوادار داشته باشد و با همه کس ارتباطی عمیق و عاطفی برقرار کند. محبت معلم و درس و اخلاق ایشان بذری فراتر از خویشاوندی در جامعه می‌کارد که دوستی‌ها و ارادت را به همیشگی پیوند می‌زند (حکمت ۲۴۷). معلم محبوب در هیچ‌جا تنهانیست و با هیچ‌کس نمی‌تواند بیگانه باشد و توگویی به‌شمار دانش‌آموزان کلاس و به شمار همه ساله عمر معلمی خود دوست و فرزند تربیت می‌کند (حکمت ۶۵). بنابراین معلم محبوب هر چند مثل برخی از صنوف و مشاغل از الاف والوف برخوردار نیست اما

در قامت معلم در جامعه و خارج از کلاس و مدرسه نیز درس‌آموز است اهل فضیلت و دارائی‌های لایزال الهی است وی برخوردار از منطقی استوار و متعادل زهدی پنهان است. فروتن تر از معلمی که اهل ارزش و دانش است نمی‌توان یافت (خطبه ۳۴) مردم و به‌ویژه دانش‌آموزان باید معلم را خاستگاه ارزش‌های اجتماعی جامعه خویش دانسته و از وی آداب و تعامل و ارتباط و ... را بیاموزند. معلم باید فراتر از ارزش‌های درونی؛ ظاهری اراسته و قامتی استوار و چهره‌ای گشاده که نگاه‌ها را ناخواسته به خود می‌گیرد، باشد.

#### مردمی بودم معلم

معلم دوست داشتنی، مردمی است و مردم ایشان را به‌عنوان چهره‌ای همسو و نیک‌اندیش می‌شناسند؛ معلم خوب، با توان، آگاهی‌بخش با مهارت‌های ارتباطی، مردم را به مشارکت می‌گیرد و نیک‌اندیشی و شخصیت الگوماندن خویش را به شمار مردم منطقه و اولیای مدرسه تکثیر می‌کند و در مقابل زاویه داشتن با مردم و گسست عاطفی با مردم کار آموزش را مختل و برای پیشبرد اهداف تربیتی زبان‌آور می‌شود. معلم هوشمند، مردم‌مدار است و میزان‌الحراره او مردم و انتظارات مردمی است و بهتر باشد که بگوییم جلب و کسب رضایت مردم و تأمین مطالبات ایشان یک اصل اجتماعی است و چه بد است معلمی که برخلاف فهم و اندیشه عمومی شتاب نماید چرا که این اقدام فرجام خوشایندی نداشته و به بدبینی می‌انجامد و به تعبیر حضرت علی علیه السلام کسی که در انجام کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارد (حکمت ۳۵)

#### نه منفعل و نه سخت‌گیر

معلم محبوب اهل اعتدال است؛ نه منفعل و سخت‌گیر. معلم باید متناسب با نیاز و ضرورت منعطف و سازگار باشد (سوره شوری، آیه ۴۸؛ سوره یس، آیه ۳۶). سخت‌گیری در مدیریت کلاس، آموزش، انضباط و تکلیف و آزمون و نمره وقتی با اقتضائات همراه نشود نه تنها سازنده نیست بلکه نتیجه معکوس دارد. معلم باید بیش از هر کس معتدل و منعطف باشد و این آسان‌گیری به معنای رهاسازی کلاس و منفعل بودن در آن نیست بلکه در جای خود دقیق، حسابگر است و به تعبیر حضرت علی علیه السلام انسان باید آسان‌گیر باشد اما زیاده‌روی نکند و حسابگر باشد اما سخت‌گیر نکند (حکمت ۳۳).

دارد بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می‌آیند. (حکمت ۲۳۲). پس باید به آنچه تعلیم مسلط باشد (سوره مریم، آیه ۴۳) و عامل به علم و برای متعلم، الگو عملی باشد (سوره انعام، آیه ۹۰؛ سوره احزاب، آیه ۲۱؛ سوره فصلت، آیه ۳۳). در کنار تمام یادگیری‌ها، معلمان با فرصت‌هایی روبه‌رو هستند که باید در فعالیت‌های خود به نحو احسن از آنها استفاده نمایند. از مهم‌ترین فرصت‌های درونی برای معلمان، داشتن تجربه است (خطبه قاصعه، نامه ۳۱) اگر مربی از تجربه کافی برخوردار باشد و آن را به‌خوبی در رابطه با تربیت افراد به‌کار گیرد، متریان به او اعتماد می‌کنند و عمل او را از سر حکمت و تدبیر می‌دانند. در کنار تجربه که مربیان از صفت علم و حکمت خداوند الهام گرفته‌اند، کسب دو صفت دیگر خداوند، رحمت و قدرت، می‌تواند فرصت مناسبی برای تسهیل جریان تربیت از جانب مربیان باشد.

#### حسن خلق و شخصیت معلم

رأفت و مهربانی نسبت به متعلم و مرتب‌ی که از تناسب صفت «الرحمن» با فعل «علم القرآن» (سوره الرحمن، آیات ۱-۲؛ سوره آل عمران، آیه ۳) به دست می‌آید. آموزگاری در قامت معلم بدور از هر پلشتی و کاستی بوده؛ حرکت‌های عامیانه و ناصواب را بر نمی‌تابد بلکه فراتر از یک شهروند ملاحظاتی را برای خویش داشته و به دور از رفتارها و منش‌های کراهت‌آلوده‌ای است که دامن آموزگاری وی را چرکین می‌کند؛ می‌تواند رهبر و هدایت‌گر جامعه هدف خویش باشد (حکمت ۱۵۹). این چنین می‌شود که سخن معلم از دل برمی‌آید و در دل‌های پاک و تشنه‌کام می‌نشیند و سرآغازی برای تحول و حرکت در مسیر شدن می‌شود. شاید بهتر باشد بگوییم معلم با معامله‌ای الهی و مجاهدت‌های نفسانی از دست بلند الهی پاداش می‌گیرد و عناصری مفید، مؤثر و خوش‌آتیه را تحویل جهان و جامعه انسانی می‌دهد. این فراتر بودن، بخشش و گذشتن از خویش و خویشان و مجاهده پنهان این لطف الهی را برای ایشان رقم می‌زند تا به‌شمار دانش‌آموزان، فرزندان، برادر و یار و هم‌دل داشته باشد (حکمت ۲۴۷). رفتار معلم در کلاس و حتی تشویق و تنبیه ایشان با دیگران تفاوت دارد او سخت و سرد کسی را سرزنش نمی‌کند و شخصیت کسی را به هر دلیل، به سختی و رنج نمی‌اندازد (حکمت ۱۷۷). شخصیتی

دربرداری و تحمل سختی‌هاست و سیادت در پایداری و تحمل سختی‌های مسئولیت است (حکمت ۱۷۶) معلم محبوب بردبار و حوصله‌مند است و به سادگی از کوره به در نمی‌رود گو اینکه رمز سیادت ایشان در خویشتن‌داری و شکیبایی است. معلم بدلیل حرفه معلمی خود را آراسته است و روح خویش را با تقوی و ریاضت‌های انسانی صیقل داده است از این رو سخنش و حتی قلم و قدمش استوار، بی عیب و سرشار از صداقت و صمیمیت می‌شود (حکمت ۲۱۴). معلم به‌دلیل برخورداری از فرصت ارتباط با دانش‌آموزان به شرط برخورداری از اخلاق، تحمل و بخشش و گذشت می‌تواند به‌شمار دانش‌آموزان دوست و همراه و به تعبیر امام علی (ع) یاران به مراتب عزیزتر از خویشان دست یابد (حکمت ۲۴۷).

#### آشنایی با فرصت‌های آموزشی، تربیتی و روانی

معلم نباید از تربیت خود و تکاپو و تلاش برای رشد خود که از دعای «رَبِّزِدْنِي عِلْمًا» است غافل شود (سوره طه، آیه ۲۰). معلم اگر بخواهد محبوبیتش افزوده شود باید اقتضانات روحی و روانی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار دهد. توجه به روحیات و زمینه و فرصت‌هاست آموزشی و تربیتی شاید در مقررات و قوانین آموزشی نیامده و علی‌القاعده نیست ولی یک واقعیت و امری مسلم است و به دیگر سخن یک تفاهم نانوشته بین معلم با تجربه با دانش‌آموزان است. تعابیر زیادی در کلمات حضرت امیر تحت همین عناوین و ناظر به این دست ملاحظات روحی و روانی مخاطب است. تعابیری چون: دل افسرده (حکمت ۹۱) و اقبال و ادب‌ها مرتب با روحیات مخاطب (حکمت ۱۹۳) و اینکه خستگی دل همانند خستگی جسم بی‌تابی و کم‌تحملی می‌آورد و توان دریافت ندارد (حکمت ۱۹۷).

#### مطالعه و دانش‌افزایی

به اذعان صاحب‌نظران، مطالعه بهترین سنجه در شاخص‌های رشدیافتگی و توسعه فرهنگ در جامعه است. وقتی مطالعه و کتاب در جامعه رو به کاهش و غربت بگذارد، فرهنگ و هویت‌های آن دچار آسیب می‌شود. معلمان بی‌رقیب‌ترین قشر در فرهنگ‌سازی و توسعه دانش عمومی جامعه هستند و تربیت قشر آشنا با کتاب و مطالعه و علاقه به دانش با دست‌ان با کفایت معلمان صورت می‌پذیرد. معلم برای رسیدن به مقام راهبری و ارتقای نقش مداخله‌گری در زمینه کتاب و مطالعه نیازمند بهسازی خود با دانش و

#### وفاداری و تعهد

معلمان باید نسبت به انجام وظیفه تعلیم و تربیت اهتمام داشته (سوره ق، آیه ۵۰؛ سوره زاریات، آیه ۵۱) و به پیشرفت شاگردانش عشق و علاقه داشته باشد (سوره توبه، آیه ۹). معلم نمی‌تواند در کلاس نسبت به رفتار دانش‌آموزان خود بی‌تفاوت باشد بنابراین معلم خواسته یا ناخواسته دانش‌آموزان خود را اندرز می‌دهد، توصیه می‌کند و به آنچه می‌گوید پایبندی می‌دهد به دیگر سخن معلم بیش از حرف عمل می‌کند و به آنچه بر زبان می‌راند وفادار و اهل عمل و تعهد است و دانش‌آموزان به تبع، خوبی‌ها را نه از زبان که از عملش دریافت و به کار می‌گیرند. در واقع معلم محبوب پایبند حرف و سخن خویشتن است چرا که دانش‌های از جنس سبک زندگی، اخلاق، معنویات و خودسازی و مهارت‌های فردی و اجتماعی؛ وقتی ارزشمند هستند که نه از زبان که در رفتار نمود یابد حضرت امیر بی‌ارزش‌ترین دانش را دانشی می‌داند که بر سر زبان است و برترین علم را علمی می‌داند که در اعضا و جوارح آشکار است (حکمت ۹۲). شاید برای تأکید بر همین واقعیت باشد که تقوا پیشگی را از الزامات دانسته و برای اثرمندی و پایداری و قوت تأکید می‌کنند که: ارزش کار را بالا و اهمیت آن را بیشتر می‌کند. به دیگر سخن هیچ کاری با تقوا اندک نیست (حکمت ۹۵).

#### تحمل و بردباری

کلاس‌داری در آموزش و پرورش سخت و طاقت‌فرساست؛ تا آموزگار نباشی نمی‌دانی چقدر مدیریت کلاس‌های ۳۰ و ۴۰ نفر دانش‌آموزان خردسال سخت است و یا در مقطع متوسطه مدیریت کلاس‌های خارج از نرم دانش‌آموزانی که در اوج هیجان و شیطنت‌های سنی هستند، سخت و شکننده می‌شود. شاید یکی از مشاغل سخت را بشود معلمی در کلاس و مدرسه دانست تلاشی که خواسته و ناخواسته توش و توان را به تحلیل می‌برد. کار معلمی در آموزش و پرورش افزون بر دانش و مهارت به مدیریت کلاس نیازمند است برای همین معلمانی که کم‌طاقتی کرده و بی‌حوصله شوند ناخواسته از نظر می‌افتند. معلم موفق با حوصله، بردبار و برخوردار از تدبیر است چراکه بردباری و تحمل؛ محبوبیت را موجب می‌شود و علاقه را به معلم افزون می‌کند (سوره یوسف، آیه ۱۰۹؛ سوره روم، آیه ۳۰) و به تعبیر حضرت امیر (ع) گویا کلید محبوبیت

واداری، کور می‌گردد و دل از توجه و دریافت سر باز می‌زند(حکمت ۱۹۳).

و در پایان این معارف همچنان باقی ست. در این بخش سعی کردیم نگاهی کوتاه به گوشه‌ای از معارف ناب قرآن و نهج البلاغه در مورد معلمان نگاهی بیندازیم، نکته قابل تامل این است که در مجموع نامه ۳۱ نهج البلاغه که به حق وصیت امام به فرزندان تاریخ است، نکات تربیتی بیشتری نهفته است و الگوی تربیتی و رفتاری مناسبی را به معلمان معرفی می‌کند. آنچه ضروری است که از جانب همه معلمان رعایت شود و در فعالیت‌های خود حتماً لحاظ نمایند، نگاه عام به قرآن و نهج البلاغه است؛ یعنی همه معلمان و نه فقط معلمان تربیت دینی و یا اخلاقی، به قرآن و نهج البلاغه به عنوان دانش و معرفت عام ضروری کار خویش نگاه کنند و نه تنها به ابعاد مختلف این منابع، اشراف داشته باشند، بلکه سعی نمایند از این معارف به طور مستقیم در محتوی درسی خود استفاده کنند و از این طریق متریبان را به کسب و متصف بودن به چنین معارفی تشویق نمایند؛ یعنی ماحصل این نوع نگاه به منابع دینی این باشد که معلمان اولاً در هر زمینه درسی که مشغول به فعالیت هستند، از معارف دینی خود آگاهی کامل داشته باشند؛ در ثانی از الگوهای تربیتی آنها در راستای اثربخشی کار خویش الهام بگیرند و همچنین خود متصف به معارف و بینش توحیدی لازم باشند. نتیجه اتخاذ این رویکرد از جانب مربیان این خواهد بود که متریبان، هم در هر حوزه تخصصی که مشغول به یادگیری هستند، به معارف دینی به عنوان معرفتی ضروری برای زندگی نگاه می‌کنند و هم افرادی متخصص و متعهد بار می‌آیند.

#### منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید؛ (۱۴۰۴.ق). "شرح بر نهج البلاغه"؛ ج ۲، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ (۱۳۶۶). "غررالحکم و درر الکلم"؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. حرانی، ابن شعبه؛ (۱۳۸۹). "تحف العقول عن آل رسول(ص)؛" ترجمه بهراد جعفری، قم: اسلامیه.
۶. حکیمی، اخوان؛ (۱۳۷۴). "الحیاه"؛ ترجمه احمد آرام؛ ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مطالعه است. به دیگر سخن باید معلم مطالعه را عملاً در خویش و سپس در جامعه، فرهنگ کند. شاید بهترین و مهم‌ترین کار برای معلم؛ دانش‌اندوزی و ارتقای توان و مهارت باشد معلم در این دنیایی که دسترسی‌ها به مطالعه و دانش افزون شده و به شکل‌های مختلف زمینه‌های آگاهی پر دامنه شده است باید بیش از دیگران به ارتقای مهارت علمی و شغلی پرداخته و بالاتر از همه از دانش و آگاهی‌های لازم برخوردار شود. معلمان باید اهل دقت و تفکر باشند همانگونه که در آیات بسیاری از قرآن خداوند آدمی را دعوت به تفکر، تدبیر و تعقل کرده است (سوره عبس، آیه ۲۴ به بعد) و با داشتن روحیه پرسشگری می‌توان سطح علمی و دانش خود را افزایش داد و این روحیه را در دانش آموزان ایجاد کرد (سوره نحل، آیه ۴۳). در سخنی بلند حضرت علی (ع) (حکمت ۹۴) دانش‌اندوزی و ارتقای توانمندی‌های علمی را بزرگ‌ترین خیر دانسته و جایگاه آن را بالاتر از هر ثروت و حتی فرزند می‌داند شاید وجه این برتری به فرزند نقش هدایت‌گری دانش در تربیت و شکل‌گیری خانواده است. به یقین خرد و فهم انسان با مطالعه و آگاه بهتر از انسان کم دانش و مطالعه است گو اینکه دانش سرآغاز تفاوت بین افراد است.

#### آشنایی با زمینه‌های یاددهی و یادگیری

معلم نباید صرفاً به درس، تدریس و تکلیف نیندیشد بلکه برای ایجاد علاقه‌مندی به یادگیری موضوع (سوره طه، آیه ۱۱۴) و آمادگی برای یادگیری چاره کند؛ چه بسا درس دادن‌های بدون این آمادگی و یا اصرار یک‌طرفه؛ معلم به دلیل بی توجهی به شرایط؛ از مقبولیت اندازد و حتی موجب نوعی انزجار از درس و نفرت از معلم شود. چه معلمانی که به دلیل همین ناآگاهی‌ها، پایگاه دانش‌آموزی نداشته و اسم‌شان با خاطراتی ناخرسندانه گره خورده است. پس داشتن آمادگی و استعداد یادگیری موضوع، رشد و کمال خواهی از تعلّم نه تحصیل دنیا و متاع آن، تابع و مطیع معلم خود بودن و حرمت‌گذاری وی (سوره کهف، آیه ۱۸) همگی با یک توجه قبل از یاددهی می‌تواند ایجاد شود. موقعیت درس و ارتباط آموزشی و به خصوص تربیتی خود جایگاهی دارد که بیش از همه معلم باید بدان با حساسیت و تأمل توجه نماید. حضرت علی (ع) فرمود: دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهش و کششی دارند زیرا اگر دل را به اجبار به کاری

۱۱. کاشانی، مهدیه؛ رستمی نسب، عباسعلی؛ (۱۳۹۸).  
 "ویژگی‌های معلمان تربیت دینی از منظر نهج‌البلاغه"،  
 دوفصلنامه تربیت تبلیغی، شماره ۱۲-۱۳.
۱۲. مشایخ، فاطمه؛ (۱۳۸۵). "قصص الانبیا(قصص قرآن)؛"  
 قم: فرحان.
۱۳. مجلسی، محمدباقر؛ (۱۴۰۱ه.ق.). "توحید مفضل؛ قم:  
 انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. محدث نوری، میرزا حسین؛ "مستدرک الوسائل و  
 مستنبط المسائل"؛ ج ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت  
 علیهم‌السلام.
۱۵. محمدی، محمدابراهیم؛ "یادداشتی با عنوان «معلم» در  
 تراز نهج‌البلاغه"؛ گروه آموزش و پرورش خبرگزاری  
 فارس.
۷. خوانساری، جمال‌الدین؛ (۱۳۶۸). "شرح بر غررالحکم؛"  
 تهران: دانشگاه تهران.
۸. طباطبایی، محمدحسین؛ (۱۳۸۲). "تفسیر المیزان؛"  
 ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۸، قم: دفتر  
 انتشارات اسلامی.
۹. فلسفی، محمدتقی؛ (۱۳۸۳). "الحديث"؛ ج ۳، قم: دفتر  
 نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. کاشانی، فیض؛ (۱۳۸۷). "سفینه النجاه؛ مترجم و شارح:  
 محمدرضا درودیان تفرشی؛ قم: انتشارات وزارت فرهنگ  
 و ارشاد اسلامی.

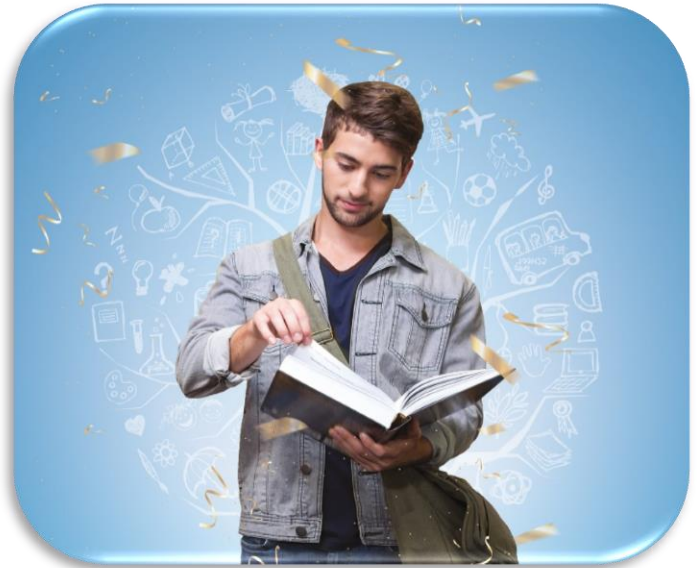
پایدار در هزاره‌ی سوم محسوب می‌شود و هر یک از کشورها به نوعی درصدد دستیابی به آن هستند، اما باید اذعان کرد که جوامع مختلف به ویژه جوامع در حال توسعه، در این راستا با موانعی جدی روبرو هستند. یکی اساسی‌ترین موانع، تمایز در برخورداری و محرومیت از فرصت‌ها و امکانات آموزشی است که سبب شده، سهم افراد از موقعیت‌ها به نسبت جایگاه و طبقه‌ی اجتماعی- اقتصادی‌شان به نحو بارزی متفاوت باشد در این میان، تفاوت منطقه‌ای به عنوان نمود آشکار فقدان دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی، موجب شده تا در مناطق مختلف به ویژه مناطق محروم و دورافتاده، تحرک اجتماعی کمتری برای تثبیت پایگاه و کسب منزلت اجتماعی وجود داشته باشد.

#### دیدگاه‌های برابر آموزشی

شاید بتوان گفت نظریه برابری آموزشی، در نظرهای راولز (۱۹۷۱) ریشه دارد. او برابری و عدالت فرصت‌ها در سیستم‌های آموزشی را در سه اصل می‌داند: فراهم کردن تسهیلات آموزشی برابر برای افراد واجد شرایط، فراهم آوردن حداقل میزان آموزش برای هر فرد و ایجاد امکانات و تدارکات ویژه برای گروه‌های محروم. فارل یکی دیگر از نظریه پردازان، برابری آموزشی را در چهار رویکرد خلاصه کرده است: برابری در دستیابی، برابری در مشارکت، برابری نتایج آموزشی و برابری تأثیرات آموزشی بر مراحل زندگی. کلمن معتقد است که ایجاد امکان آموزش رایگان برای بچه‌ها بدون در نظر گرفتن سابقه‌ی خانوادگی و نژادی، نیز جنس و طبقات اجتماعی و گروه‌های مختلف قومی، از ضروریات برابری فرصت‌های آموزشی است.

راجرز بر این باور است که عوامل متعددی نظیر نابرابری‌های طبقاتی، مذهبی، نژادی، جنسی و ... کیفیت آموزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان). جانستون نیز معتقد است که ابعاد برابری فرصت‌های آموزشی شامل موارد ذیل است:

- برابری فرصت‌های آموزشی در بین طبقات اجتماعی مختلف؛
- برابری فرصت‌های آموزشی برای جنسیت‌های مختلف؛



### عدالت آموزشی: سرانجام ۱۴ سال تحصیل

آموزش همواره از دغدغه‌ی دولت‌ها بوده و در زمره‌ی مهمترین سیاست‌های عمومی قرار داشته است، تا جایی که آموزش و پرورش و نحوه‌ی بهره‌مندی از آن در جهان کنونی، یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی محسوب می‌شود. بر همین اساس، کشورهای در حال توسعه درصدد هستند برای دسترسی همگان به نظام کشورها مخصوصاً آموزشی با کیفیت بالا، فرصت‌های برابری ایجاد کنند؛ چرا که یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی، برقراری فرصت‌های یکسان برای دسترسی آحاد جامعه به آموزش و پرورش است. در این میان، فراهم آوردن شانس مساوی برای دستیابی همه دانش‌آموزان جامعه به فرصت‌های آموزشی مطلوب (نظیر شانس ورود به نظام آموزشی و مدرسه‌ی بهتر)، دسترسی به منابع موجود در نظام آموزشی (همانند معلم، متخصص، فضا و تجهیزات آموزشی مناسب و برخورداری از عملکرد مطلوب آموزش) از جهات متعدد حائز اهمیت است. لزوم توجه جدی به نحوه‌ی توزیع فرصت‌های آموزشی وقتی دو چندان می‌شود که بدانیم آموزش، ابزار تعدیل‌کننده‌ی توزیع درآمد و شرط الزم برای نیل به رشد اقتصادی است و تساوی فرصت‌های آموزشی، وسیله‌ای برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی. هر چند توزیع برابر فرصت‌ها و دسترسی همگانی به نظام آموزشی مطلوب، از ارکان اساسی توسعه‌ی



نابرابری فضایی که واژه ای مرکب از نابرابری و فضاست، اشاره به وضعیتی دارد که در آن واحدهای مختلف فضایی یا جغرافیایی در سطوح مختلف در برخی متغیرهای موردنظر قرار دارند.

نابرابری فضایی را همچنین می توان توزیع نابرابر فرصت ها و موانع اجتماعی در فضا دانست. نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه ای است، در هر جامعه ای می تواند جنبه های مختلف به خود بگیرد. اشکال قابل رؤیت نابرابری فضایی در کشورهای قابل توسعه عبارت است از نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی در درون شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و ... نابرابری فضایی که با رشد قطبی یک یا دو منطقه و عقب ماندن چند منطقه همراه است؛ به نوعی می تواند پیش درآمد ناهمگونی های اجتماعی نیز قلمداد شود.

نابرابری اجتماعی که محصول فقدان توزیع مناسب منابع و خدمات اجتماعی در یک جامعه است و ریشه در ساختار ناموزون ملی، منطقه ای و گاه محلی دارد، می تواند با گذشت زمان زمینه ای ایجاد نابرابری فرهنگی را نیز سرعت بخشد؛ حال این که نابرابری های آموزشی، خود مصداق بارزی از نابرابری های اجتماعی- فرهنگی است که با شدت و ضعف در نواحی مختلف وجود دارد. در مجموع، آنچه مبرهن است این است که پیشرفت های اجتماعی در یک جامعه منوط به دسترسی آحاد مردم به فرصت های برابر است؛ از این رو نابرابری های آموزشی، بایستی با تأمل و تعمق بیشتری توسط مسئولین، برنامه ریزان و متولیان امر مورد بررسی و تفحص قرار گیرد. بر همین اساس، از آنجا که هیچ توسعه ای بدون توسعه و تکامل نیروی انسانی مطلوب و مقدر نخواهد بود و توسعه ای اجتماعی- فرهنگی نیز زمانی در جامعه تحقق می یابد که همگان به شکل یکسان به امکانات آموزشی موجود در جامعه دسترسی داشته باشند،

مساله بی عدالتی در آموزش از زوایای مختلف از جمله ورودی ها، فرآیندها و خروجی های آموزشی قابل تحقیق و بررسی است. مسلماً هیچ جامعه ای هرگز در نتایج یادگیری افراد به برابری کامل نخواهد رسید. تفاوت در نتایج یادگیری ممکن است به تفاوت های فردی در توانایی و انگیزه و

- برابری فرصت های آموزشی برای اقوام و نژادهای مختلف یک جامعه،
- برابری فرصت های آموزشی برای مناطق شهری، روستایی و ...

### دیدگاه های نابرابری آموزشی

نابرابری آموزشی انواع مختلفی از نابرابری را شامل می شود که مشهودترین آنها نابرابری جنسیتی و نابرابری فضایی است. نابرابری جنسیتی، تفاوت قائل شدن بین دو جنس (زن و مرد) در دسترسی به فرصت های آموزشی است. در این حالت، مجموعه ای از قوانین و مقررات و دستورهای حاکم در جامعه بر پایه ی جنس، نابرابری را پدید می آورد و با جلوگیری از دسترسی به امکانات و همراهی در تصمیم گیری، نابرابری جنسی را دنبال می کند. بعنوان نمونه، دیدگاه کلاسیک و نئوکلاسیک که بر پایه ی جنسیت گرایی بنا نهاده شده، بر این فرض مبتنی است که سرمایه گذاری آموزشی بر پایه ی تصمیم های عقلانی افراد صورت می گیرد و برگشت سرمایه، باید این سرمایه گذاری را توجیه عقلانی سازد و این سرمایه گذاری برای دختران، به معنای آموزش کمتر نسبت به پسران است. از منظر کلاسیک، وضعیت زنان در چهارچوب خانه و خانه داری ترسیم می شود و به همین لحاظ، آموزش در آن جایگاه خاصی نمی یابد. این بینش با برتر به دلیل پنداشتن جنس مذکر، آموزش پسران را بر دختران اولویت می دهد و اصولاً باور داشتن کلیشه های نقش جنسیتی، هیچ فایده ای در فرستادن دختران به مدرسه نمی بیند و معتقد است مهارت های مورد نیاز دختران توسط مادران و خواهران به آنان آموزش داده می شود. از سوی دیگر چون در بیشتر جوامع جهان سوم، دختر پس از ازدواج به خانواده ی شوهر ملحق می شود؛ لذا صرف وقت و هزینه برای تحصیل او کاری بیهوده تلقی می شود.

حالت، سنجش معیارهای بی طرفی در آموزش و پرورش مهم است. زیرا می‌تواند ما را به سمت محروم‌ترین گروه‌ها هدایت کند. معیارهای بی طرفی اساساً رابطه بین شاخص تحصیلات (کسب رتبه کنکور) با یک یا چند معیار مربوط به ویژگی‌های زمینه‌ای افراد (جنسیت، مکان جغرافیایی، نوع مدرسه و ... را نشان می‌دهند. بی طرفی کامل به معنی فقدان هر رابطه بین تحصیلات و خصوصیات زمینه‌ای یا محیطی افراد است.



**کنکور و عدالت آموزشی**

در طول ادوار گذشته به ویژه در سالیان اخیر، پس از اعلام نتایج کنکور سراسری، طی مصاحبه‌ها و گزارش‌های انجام شده با رتبه‌های برتر کنکور، اعلام می‌شود که این افراد عموماً از مدارس خاص، و عمدتاً از خانواده‌های دارای سطح رفاه متوسط به بالا هستند. حال، این احساس عمومی در جامعه به وجود آمده که رشته‌های پرتقاضا و پردرآمد و دانشگاه‌های معتبر کشور، در قبضه‌ی اقشار خاصی از جامعه قرار می‌گیرد. و بحث طبقاتی شدن ورود به دانشگاه، کم و بیش در لابه‌لای گزارش‌های خبرنگاران و تیتیرسایت‌ها و روزنامه‌ها است. و می‌توان نتیجه گرفت که همچنان نابرابری و بی‌عدالتی در دستیابی به رتبه‌های برتر در آزمون کنکور وجود دارد. و باید برای رفع این نابرابری‌ها راه حل عاجل اندیشید. بی‌شک طبقاتی شدن ورود به دانشگاه‌ها خود موجب بروز اختلافات اقتصادی و اجتماعی اساسی در جامعه آینده ایران خواهد بود که باید از آن پرهیز کرد. هدف از این مطالعه، پرداختن به مسأله کنکور با نگاه به درون آموزش و پرورش است. اگر چه رویه فعلی سنجش و پذیرش دانشجو در کشور دچار ضعف و کاستی‌هایی است، اما پرداختن به این کاستی‌ها یا ارائه راه حل برای رفع آن‌ها موضوع این مطالعه نیست. در اینجا، کنکور به مثابه یک آزمون علمی سراسری تلقی می‌شود که در پایان دوازده سال تحصیل دانش‌آموزان در نظام آموزشی، نتایج یادگیری آن‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد. حال سوال

همچنین نوع زمینه‌ای که از آن می‌آید و نوع منابعی که به آن‌ها دسترسی دارد، بستگی داشته باشد. بنابراین، چه زمانی باید نگران نتایج نابرابر یادگیری باشیم؟ پاسخ به این امر، بسته به پیامدهای منفی انواع مختلف نابرابری، تا حدودی تجربی است. این موضوع بستگی به این دارد که چه فرم‌هایی از توزیع آموزش در جامعه را قابل قبول یا قابل توجیه می‌دانیم.

یک دیدگاه رایج برای تفکیک نابرابری به موارد قابل توجیه و غیر قابل توجیه، استفاده از اصل فرصت برابر است. برابری در فرصت بدان معنا است که هر فرد صرف نظر از شرایطی که در آن متولد شده، باید فرصت یکسانی برای رشد داشته باشد. البته افراد مسئول تلاش خود هستند، بنابراین بخشی از نابرابری در نتایج که حاصل از اختلاف در تلاش افراد است، منصفانه است. رومر (۱۹۹۸) یک فرمول تاثیر گذار برای تفکر درباره برابری فرصت، به روشی قابل اندازه‌گیری پیشنهاد می‌کند: اگر نابرابری‌ها در دسترسی به آموزش به گونه‌ای باشند که منشا آن‌ها، اختلاف شرایط (مثلاً ثروت خانودگی یا سایر عوامل محیطی) باشد، این طور استنباط می‌کنیم که افراد فرصت‌های برابر نداشته‌اند.

براساس اصل برابری فرصت، اگر موفقیت در کنکور صرفاً ناشی از تفاوت در تلاش و ویژگی‌های فردی داوطلبان باشد، عادلانه، و در غیر این صورت (موفقیت ناشی از تفاوت دسترسی به امکانات آموزشی و تفاوت زمینه‌های خانوادگی مثل سطح ثروت) ناعادلانه است. در مطالعه پیش رو، رابطه موفقیت در کنکور سراسری با امکانات آموزشی، مورد بررسی قرار گرفته است. اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی و خانوادگی رتبه‌های برتر در محدوده این مطالعه نیست، اما مطمئناً این عوامل نیز در کسب نتایج و موفقیت داوطلبان موثر بوده‌اند.

چارچوب‌های حقوقی همیشه تأکید می‌کنند که سیستم آموزش و پرورش باید بی‌طرف و بدون تبعیض باشد و گروه‌های مختلف جمعیتی از فرصت برابر برای دسترسی به هر نوع خدمات آموزشی برخوردار باشند. بی‌طرفی به این معنی است که هیچ رابطه‌ای بین شرایط کودک (ثروت، خانواده، معلولیت، محل زندگی، جنسیت و ...) با تحصیلات وی نباید وجود داشته باشد. از طرف دیگر، گاهی ادعان می‌شود که (شاید به دلایل تأمین ناکافی منابع یا تفاوت در توانایی ذاتی افراد، همگان به هر سطحی از سیستم آموزش دسترسی نخواهند داشت. اما در هر

احساس بی عدالتی و بی انصافی است که همه ما احساس می کنیم، وقتی می بینیم صرفاً کسانی که قادر به خرید این خدمات هستند، امکان ورود به یک دانشگاه و رشته خوب را دارند، و الزاماً صرف استعداد و توانمندی دانش آموز عامل موفقیت نیست.

نمایش آماری تبعیض ها و بی عدالتی های صورت گرفته در فرآیندی که به کنکور ختم می شود، می تواند به عنوان تلنگر مجددی برای سیاست گذاران و برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش تلقی شود. این تحقیق اگرچه راه حل مبسوطی برای رفع مشکلات مذکور ارائه نمی دهد، اما برای شفاف سازی پاره ای از حقایق و بیان روشن نابرابری ها راهگشاست.

#### منابع

۱. علیزاده، یوسف (۱۳۹۲)، "تحلیل و سطح بندی توسعه یافتگی آموزشی: نمونه نواحی آموزش و پرورش استان اردبیل"، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی اردبیل.
۲. قاسمی اردهائی، علی، حیدرآبادی، ابوالقاسم و رستمی، نیر (۱۳۹۰)، "زمینه های خانوادگی نابرابری فرصت های آموزشی مطالعه موردی: دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر"، مجله ی جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال اول، شماره ی ۱: ۱۲۵-۱۴۷.
۳. روشن، احمدرضا (۱۳۹۱)، "برابری فرصت های آموزشی ابزاری برای کاهش نابرابری های اقتصادی" روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۸۱۶، ۱۳۹۱/۱۰/۰۳، صفحه ی ۲۸ (اقتصاد آموزش).
۴. بابادی عکاشه، زهرا، شریف، سیدمصطفی و جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۷)، "تامین و گسترش برابری فرصت ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان"، فصلنامه ی رفاه اجتماعی، دوره دهم، شماره ی ۲۸۷: ۳۷-۳۰۵.
- ۵- سرخ، اسماعیل (۱۳۸۶)، "نابرابری های آموزشی و نابرابری های فضایی در بعد قومی و منطقه ای مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰"، فصلنامه ی تعلیم و تربیت، شماره ۳: ۱۰۳-۱۲۴.
- ۶- حسنی، محمد، اسدی، راضیه، سامری، مریم و اکبری، تقی (۱۳۹۳)، "مدل سازی ساختاری تاثیر آرزوهای تحصیلی بر نابرابری آموزشی در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع پیش دانشگاهی" مجله روانشناسی مدرسه، سال سوم، شماره ی ۴: ۳۷-۵۱.
- ۷- زارع شاه آبادی، اکبر و بنیاد، لیلا (۱۳۹۳)، "بررسی عوامل موثر بر نابرابری آموزشی در بین دانش آموزان شهر کازرون"،

اینجاست که چه کسانی در این آزمون موفق ترند؟ از کدام مدارس؟ کدام منطقه آموزشی؟ چرا خیل عظیمی از فارغ التحصیلان نظام آموزشی و داوطلبان آزمون سراسری در این رقابت ناکام می مانند؟ آیا این آزمون چیزی به غیر از کتاب ها و منابع درسی را می سنجد که براساس برنامه درسی ملی به طور یکسان در همه مدارس استان توسط معلمان واجد شرایط تدریس می شود؟ آیا نواخ و استعداد های برتر نظام آموزشی فقط در برخی از انواع مدارس و برخی از مناطق آموزشی حضور دارند و بقیه مناطق از وجود آن ها خالیست؟

بررسی رابطه تحصیل در مدارس خاص و امکان پذیرش در رشته های دانشگاهی پر تقاضا، و نمایش نابرابری های موجود در میزان موفقیت دانش آموزان مناطق آموزشی مختلف، از نکات مورد توجه در این مطالعه است. هدف این بررسی، پرداختن به ایرادات نظام سنجش و پذیرش دانشجوی نیست، بلکه هدف آن ارائه تصویری آماری از نابرابری های نظام آموزشی در ارائه خدمات آموزشی با کیفیت به دانش آموزان است. مساله کنکور در سال های اخیر پا را از محدوده پایه دوازدهم و حتی دوره متوسطه فراتر گذاشته و تمام دوره های تحصیلی از بدو آموزش تا دوره های میانی و پایانی تحصیل دانش آموزان را معطوف به خود نموده است. اولیا و خانواده ها می کوشند تا فرزندان خود را در دوره ابتدایی در مدارس یا آموزشگاه هایی ثبت نام کنند که درصد قبولی بالایی در مدارس تیزهوشان یا نمونه دولتی دارند. سپس تلاش می کنند تا دانش آموزان برای موفقیت در کنکور وارد مدارس تیزهوشان یا نمونه دولتی شوند. در دوره متوسطه نیز با ثبت نام در آموزشگاه ها و کلاس های کنکور، چشم انتظار کسب رتبه برتر توسط فرزندانانشان هستند. از سوی دیگر، مدارس و آموزشگاه ها در رقابت با یکدیگر تلاش می کنند دانش آموزان مستعد و درسخوان را که مستعد کسب رتبه های برتر در کنکور سراسری هستند جذب نمایند تا بازار و تنوع تبلیغات سالیانه خود گرم نگه دارند. مهرداد عربستانی انسان شناس معتقد است: آموزش و پرورش یکی از جاهایی است که باید برای حل مساله روی آن متمرکز کنیم، چرا که اگر آموزش و پرورش کار خود را به درستی انجام می دهد، اصولاً این سیستم های بسیار گسترده ی کمک آموزشی که گردش مالی بسیار بالایی دارند چرا باید به وجود بیایند؟ آیا این موضوع نشان از یک خلا در نظام آموزشی نیست؟ این مساله مبنای همان

- ۱۴- مهر علی زاده، ی. رجیبی معماری، ا. الهم پور، ح. (۱۳۹۱).  
 "آسیب شناسی بومی گزینی کنکور"، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم، شماره چهارم .
- ۱۵- سجادی، ر. کرم‌دوست، ن. درانی، ک. صالحی، ک. مقدم زاده، ع. (۱۳۹۶). "واکای عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری"، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی . سال ۸ ، شماره ۱۶ .
- ۱۶- سبحانی، ع. شهیدی، م. (۱۳۸۶). "آسیب شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو" ، نشریه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
- ۱۷- گزارش گزیده آمارهای آزمون سراسری سال ۱۳۹۹، استان هرمزگان ، دفتر طرح و آمار .
- ۱۸- گزارش مصاحبه علی اکبر راد پژوهشگر آموزشی با ایرنا ۱۳۹۸.

**نویسندگان: زینب فدوی و ضیاء الدین سالاری**

- فصلنامه مطالعات جامعه شناسی جوانان، سال چهارم، شماره ی ۱۳: ۳۹-۶۸.
۸. کچویان، حسین و آقاپور، علی (۱۳۸۵)، " کندوکاو در نابرابری های آموزشی در ایران"، فصلنامه ی راهبرد یاس، شماره ی ۷: ۱۱۵-۱۵۴.
- ۹- اعظم آزاده، منصور و رضایی، انیس (۱۳۸۹)، " نابرابری جنسیتی آموزشی در بخش درود فرامان کرمانشاه"، فصلنامه ی مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان، سال هشتم، شماره ی ۲۴: ۲۴۷.
۱۰. Kaziboni, Tabeth (2000), "Picking up Threads – Women Pursuing Further Studies at the University of Zimbabwe", *Studies in the Education of Adults*, (32) 2.
- ۱۱- دربان آستانه، علیرضا، طهماسبی، سیامک و رضایی، پانید (۱۳۹۵)، " تحلیل الگوی نابرابری فضای آموزشی شهرستان های کشور"، دو فصلنامه ی مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال پنجم، شماره ی ۹: ۳۱-۵۰.
- ۱۲- دهقان، حسین (۱۳۸۶)، " فرصت ها و تهدیدها برای آموزش و پرورش در مواجهه با نابرابری فضایی در فن آوری و اطلاعات"، فصلنامه ی تعلیم و تربیت، شماره ی ۲۳: ۱۲۵-۱۶۳.
- ۱۳- رفسنجانی نژاد، س. (۱۳۹۸). رفسنجانی نژاد، س. (۱۳۹۸). "کنکور سراسری چالش های موجود و راهکارهای جایگزین"، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، شماره مسلسل، ۳۶۶.

منحصر به موارد مذکور در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری می باشد.

در تعریف تفاوت میان جرم و تخلف باید بیان کرد که جرم انجام هر فعل یا ترک فعلی است که قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده، اما در بحث تخلف اول اینکه توسط مستخدم و کارمند دولت انجام می شود و در ثانی مصداق های آن در قانون رسیدگی به تخلفات اداری بیان شده است.

### تقسیم بندی تخلفات اداری کارکنان آموزش و پرورش

تخلفات اداری طیف وسیعی را در بر می گیرد در این قسمت سعی خواهد شد به عمده ترین و مهترین تخلفات اداری پرداخته شود؛ اگر چه خاطر نشان می شود که تقسیم بندی تخلفات اداری که در ذیل آمده، همه ی آن ها را پوشش نمی دهد.

از یک نظر می توان تخلفات اداری را به سه دسته تقسیم کرد:

- تخلفاتی که فقط می توانند در محیط اداری یا ساعات موظف اداری صورت گیرد (تخلف اداری محض است و فقط در محیط کار یا در جایی که در حکم محیط کار است موضوعیت دارند. مانند ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری - تکرار در تاخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج بدون کسب مجوز، تعطیل خدمت در اوقات اداری)
- تخلفاتی که هم در خلال ساعات اداری و هم در خارج از محیط اداری می توانند صورت گیرد. این نوع تخلفات محصور در محیط اداره یا ساعات موظف اداری نبوده و نیستند و ممکن است در محیط اداره یا خارج از آن صورت گیرد. چنین تخلفاتی قابل مجازات در هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان خواهد بود. نظیر استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر - ایراد تهمت و افتراء و هتک حیثیت اخاذی اختلاس - تسامح در حفظ اموال و اسناد دولتی. عبارتی کارمندان فقط بخاطر تخلفاتی که در محیط کار انجام می دهد مستحق مجازات نیستند بلکه چنین تخلفاتی را خارج از اداره انجام دهند تخلفات اداری محسوب و توسط هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری قابل تعقیب خواهد بود.
- تخلفات اداری با عناوین مجرمانه، برخی از اعمال یا ترک اعمالی که از سوی قانونگذار تخلف اداری



## تخلفات اداری و سازمانی آموزش و پرورش

امروزه آموزش و پرورش بنابر ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشوری محسوب می شود و با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد و بتدریج از یک حالت ساده ابتدایی به یک حالت پیچیده در آمده است ثمربخشی آموزش و پرورش از یک سو در رابطه با نیروی انسانی کارآمد و از جهت دیگر بستگی به سلامت نظام اداری و عاری بودن از هر گونه تخلف است.

در شماره های قبلی با بیان تعریفی از مدیریت در قالب هنر انجام کارها به وسیله ی دیگران و تصمیم گیری، همچنین بررسی چرایی و چگونگی منابع انسانی توانمند و اهمیت آن در بهره‌وری سازمان، به بررسی عواملی اثرگذار بر بهره‌وری سازمان ها اشاره کردیم. در این نوبت قصد داریم به بررسی یکی از عوامل خلل در بهره‌وری سازمان و منابع انسانی که شامل تخلفات اداری می شود بپردازیم. در واقع نظام آموزشی اساس و مدار توسعه پایدار یک کشور است، اما به شرط آنکه مراقبت های لازم از این سیستم به عنوان یک سیستم پویا در نظر گرفته شود. بر همین اساس ارکان هایی مانند حراست، ارزیابی عملکرد و هیئت های رسیدگی به تخلفات به عنوان مکانیسم هایی برای حفاظت از این سیستم در نظر گرفته شده است.

### تعریف تخلفات اداری

بر اساس قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۴ در ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات هیأت عالی نظارت، تخلق اداری چنین تعریف شده است، تخلف اداری عبارت است از ارتکاب اعمال و رفتار نادرست توسط مستخدم و عدم رعایت نظم و انضباط اداری که

### مصادیق تخلفات اداری

#### ♦ اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری

یکی از ضمانت اجراهای اداری یا به عبارت بهتر تخلف اداری کارکنان دولتی اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری است. ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۰۷/۰۹/۱۳۷۲ در بند اول خود به این تخلف اشاره نموده است.

اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری اعمالی می باشد که از یک کارمند دولتی که متصدی انجام وظایف و صلاحیت های مشخص شده قانونی است انتظار نمی رود انجام دهد. به عبارت بهتر یک کارمند دولت بایستی شان و مقام و منزلت شغل خویش را مراعات کند و از نقض آن بپرهیزد. انجام رفتارهای سبک و خارج از اصول و مبانی اداری به عنوان اعمال خلاف شأن اداری تلقی می گردد.

هر چند بیان کلی تخلفی تحت عنوان اعمال و رفتار خلاف شئون اداری آن هم به طور کلی و مبهم در قانون شایسته نمی باشد. چرا که یک قانون منسجم، پویا و شفاف قانونی می باشد که مصادیق آن شفاف، واضح، دقیق و غیر تفسیر بردار باشد نه این که از عباراتی نا مشخص، مبهم و چند پهلو استفاده نماید. بنابراین تعیین و تشخیص اعمال و رفتار خلاف شئون اداری به هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری واگذار شده که در این زمینه از آزادی عمل زیادی برخوردار می باشند و همین امر یکی از تفاوت های بین ضمانت اجرای کیفری و اداری را نشان می دهد.

#### ♦ نقض قوانین و مقررات

یکی دیگر از تخلفات مهم کارمندان دولت نقض قوانین و مقررات اداری است. هر کارمند دولت موظف می باشد کلیه قوانین و مقررات کشور را محترم شمرده و از نقض آن ها جدا خودداری نماید.

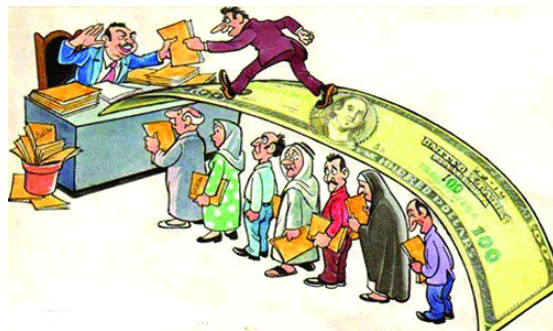
ماده ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸/۷/۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی راجع به تبعیت کارمندان دستگاه های اجرایی از قوانین و مقررات چنین اشعار می دارد: «کارمندان دستگاه های اجرایی موظف می باشند که وظایف خود را با دقت، سرعت، صداقت، امانت، گشاده رویی، انصاف و تبعیت از قوانین و مقررات عمومی و اختصاصی دستگاه مربوطه انجام دهند و در مقابل عموم مراجعین به طور یکسان و دستگاه ذیربط پاسخگو باشند.

محسوب شده جرم نیز می باشند مواردی همچون اختلاس، ارتشاء و ..... این نوع تخلفات تخلف اداری با عناوین مجرمانه نامیده می شود.

رابطه میان تخلف و جرم را در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، می توان به سه گروه تقسیم کرد:

- **گروه اول** تخلفاتی هستند که در ماهیت و ذات اداری بوده و فاقد عناوین مجرمانه است از قبیل: ترک خدمت در خلال ساعات اداری - تکرار در تاخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج آن بدون کسب مجوز کم کاری با سهل انگاری در انجام وظایف محول شده تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری غیبت غیر موجه بصورت متوالی یا متناوب

- **گروه دوم** تخلفاتی هستند که اعم از جرم و تخلف می باشند. به عبارت دیگر اینگونه تخلفات علاوه بر اینکه از نظر اداری تخلف محسوب می شوند از بعد جزایی نیز جرم محسوب و قابل تعقیب کیفری می باشند از قبیل: افترا و هتک حیثیت اخاذی اختلاس اخذ رشوه استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر - خرید و فروش مواد مخدر رعایت نکردن حجاب اسلامی جعل یا مخدوش نمودن اسناد رسمی با دولتی - ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه.



- **گروه سوم** ممکن است از کارمند رسمی سرزند که تخلف اداری محسوب نشده اما توسط دادگاهها قابل تعقیب می باشد. چنین اعمالی قابل تعقیب توسط هیاتهای بدوی رسیدگی به تخلفات اداری نیست بعنوان نمونه: چنانچه در یک دعوای حقوقی زوجه از زوج به لحاظ عدم پرداخت مهریه شکایت نماید و به سبب عند المطالبه بودن مهریه و عدم پرداخت آن، زوج زندانی شود در این صورت عمل کارمند تخلف اداری محسوب نمی شود.

### منابع

- ۱) دعاگویان داود، ابراهیم نژاد ناصر، فقیهی سیداحمد، گرجیان محمدمهدی، (بی تا). "بررسی تأثیر رضایت شغلی و تعهد سازمانی در کاهش تخلفات شغلی پلیس از منظر اسلام".
- ۲) غفاریان، ساسانی، ولی. (۲۰۱۸). "مطالعه تطبیقی تخلفات کارکنان آموزش و پرورش ایران انگلستان و جمهوری آذربایجان". فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، (۱)، ۴۶-۷۳.
- ۳) مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، قانون رسیدگی به تخلفات اداری، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92063>
- ۴) تقی لو، حسن؛ پیری، رضا. (۱۳۹۹). "گزیده‌ای گویا از مجموعه دستورالعمل‌های صادره در خصوص قانون رسیدگی به تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش"، [به سفارش] هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان اداره کل آموزش و پرورش استان البرز. کرج: انتشارات ملرد.
- ۵) واسعی، فریدون (۱۳۷۶) "پرسش و پاسخ در زمینه قانون رسیدگی به تخلفات اداری"، انتشارات معینیان
- ۶) کارگرشورکی، هدایت؛ (۱۳۹۲). "مسیر سلامت: پاسخ به پرسشهای متداول در زمینه تخلفات اداری کارکنان دولت"؛ [به سفارش] هیات رسیدگی به تخلفات اداری استانداری یزد: انسان امروز.
- ۷) دبیرخانه هیئت عالی نظارت، (۱۳۸۳). "مجموعه پاسخ ها به ۲۴۸ سوال در مورد قانون رسیدگی به تخلفات اداری".


نویسندگان: مصطفی جمالی و علی عابدینی

هر گونه بی اعتنایی به امور مراجعین و تخلف از قوانین و مقررات عمومی ممنوع می باشد.

### ♦ تبعیض یا اعمال غرض در اجرای قوانین و مقررات

یکی دیگر از تخلفات اداری مهم تبعیض یا اعمال غرض در اجرای قوانین و مقررات می باشد. بند هفتم ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به این تخلف کارمندان اداری اشاره کرده است. « تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیر اداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص...» یکی از تعهدات و تکالیف کارمندان اداری ارائه خدمات یکسان به همه شهروندان می باشد. کارمندان دولت بایستی در هنگام ارائه خدمات دولتی به اعمال تبعیضی در این راستا نپردازند در غیر این صورت جدای از این که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی مورد مذمت و سرزنش قرار می گیرند، از بعد حقوقی نیز بایستی پاسخگوی مسئولان اداری و در صورت ارتکاب جرم دادگاه های دادگستری باشند.

اصل برابری یکی دیگر از اصول بنیادین حقوق اداری است. شاید بتوان گفت اصل برابری در حقوق عمومی از مناقشه برانگیزترین و پیچیده ترین اصول می باشد. برابری در حقوق اداری به ویژه در فرآیند های اداری، از آن جا که عینیت یافته و به مرحله اجرا و تصمیم گیری رسیده است، بغرنج تر از سایر حوزه ها است.

 باید اشاره کرد که در کنار هم قرار گرفتن انسان ها در درون یک سیستم با توجه به نیاز های متفاوت و گاه متضاد و از سوی دیگر تکالیف تعیین شده برای افراد از سوی سیستم و موظف بودن آن ها بر حسن انجام آن ، قانون گذاری و همچنین ضمانت اجرائی و نظارت بر اجرای قانون را در قالب هیئت رسیدگی به تخلفات اداری در سیستم تعریف شده است. مصادیق بیان شده در قانون نیز بررسی این موارد را قابل بررسی تر می کند.

دقیق‌تری در هنگام سرمایه‌گذاری با توجه به منابع محدود فردی و اجتماعی، تعیین نرخ بازده در سطوح مختلف آموزشی و اهمیت آن برای تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی، ... وجود دارد. نزدیک به ۹۹ درصد بودجه صرف پرداخت حقوق و مزایای پرسنل می‌شود؛ آن هم پرسنل ناراضی از حقوق دریافتی، و تنها یک درصد برای سایر امور از هزینه‌های آب و برق گرفته تا کیفیت بخشی به آموزش صرف می‌شود.

در حیطه عملگرایی هرچند مخالفت‌های جدی با مراکز و مدارس غیر دولتی باشند اما لاجرم به پذیرش آنها شده است چون دولت چشمه لایزال مالی نیست و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به صورت بلندمدت است. به کلام ساده تر «هدف اقتصاد آموزش و پرورش کمک به کارآمدی اقتصاد نظام آموزش و پرورش و ارائه راهکارهایی برای ارتقاء سطح آن است». در بررسی‌های اقتصاد آموزش و پرورش باید توجه داشت که هم نهاده (input) و هم بازده (output) نظام آموزش و پرورش به عنوان یک نظام تولیدی انسان است. آنچه که در اقتصاد آموزش و پرورش اهمیت خاصی پیدا می‌کند فایده و بازده است؛ بنابراین بازده کارکرد تولیدی تعلیم و تربیت را تحت تأثیر می‌گیرد. بازده نظام آموزشی دو چیز است: نیروی انسانی متخصص و دانش (تحقیق) که آن هم در رابطه مستقیم با انسان است؛ یعنی در فرایند آموزش انسان هم فاعل است و هم مفعول، اما کیفیت بازده آموزش و پرورش نباید فقط در نیروی متخصص دید؛ نیرویی که نیاز جامعه را و به طبع آن اقتصاد آن برطرف خواهد کرد؛ بلکه ارزش‌های انسانی که یک فرد تحصیل کرده می‌تواند در جریان آموزش کسب کند و در ازای خدمات خود به جامعه بکار گیرد تا نتیجه بهتری بگیرد. نظام آموزشی نباید صرفاً به عنوان یک فرایند تولیدی نگاه کرد و اجازه داد که اقتصاد تعلیم و تربیت را هدایت کند؛ بلکه تعلیم و تربیت و لحاظ ارزش‌های انسانی باید بر اقتصاد تأثیر بگذارند و یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بخش آموزش آن است. این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق‌العاده است که هم ابزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می‌شود و هر ساله بخش عظیمی از منابع مادی، در قالب بودجه‌های دولتی و هزینه‌های شخصی، در این راه صرف می‌شود.

هنگامی که نگاه گذرای به تاریخچه مدارس و مراکز غیر دولتی کنیم مسئله‌ای که مبرهن است وجه تسمیه



## اقتصاد آموزش و پرورش

### مدارس و مراکز غیر دولتی، رابطه تأثیر آنها در

#### اقتصاد آموزش و پرورش

بحث من باب مدارس و مراکز غیر دولتی در ذیل مقوله تنوع مدارس بخش بندی می‌شود که خود مسئله‌ای چالشی برانگیز است و رابطه تنگاتنگی با عدالت آموزشی و اقتصاد آموزش و پرورش دارد که در این مقاله سعی در تبیین ارتباط اقتصاد آموزش و پرورش و مدارس و مراکز غیر دولتی داریم. اقتصاد آموزش و پرورش شاخه‌ای از علم اقتصاد است که کاربرد صحیح منابع را در آموزش و پرورش بررسی می‌کند و به تحقق اهداف نظام آموزشی به اقتصادی ترین وجه یاری می‌رساند. نقش اساسی شکل‌گیری و ارتقای سطح کیفیت نیروی انسانی بر عهده آموزش و پرورش است. این موضوع از حدود ۲۵۰ سال پیش مورد توجه اقتصاد دانان بوده است. به دلیل گسترش امر آموزش بین‌ملتها و واگذاری وظایف اصلی آن به دولت‌ها که موجب شد بُعد مالی و اقتصادی آموزش در برنامه ریزی لحاظ شود و آموزش و پرورش تبدیل به فرایندی گران و با ابعاد گسترده اقتصادی شود. از طرفی دیگر، اقتصاد دانان به آموزش از زاویه دیگر نیز توجه می‌کردند و آن تربیت و آموزش نیروی انسانی متخصص است؛ این موضوع مشترک بین برنامه ریزی‌های اقتصادی و آموزشی شد. از سوی دیگر، مباحث آموزش و پرورش از جمله برنامه ریزی آموزشی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش بزرگسالان و ... نیز با اقتصاد آموزش و پرورش مرتبط می‌شوند. نیاز به برنامه ریزی



پیشنهاد دادند چراکه معتقد بودند دولت توانایی جذب تمام کودکان و نوجوانان را برای تحصیلات رایگان ندارد و باید بخش خصوصی را به کمک دولت ترغیب کرد. بر همین اساس و در عین وجود نظرات مخالف باین طرح، در تیرماه ۱۳۶۷ طرح تشکیل مدارس غیرانتفاعی به تصویب رسید.



اولین مدارس غیر انتفاعی پس از انقلاب از سال تحصیلی ۶۸-۶۹ فعالیت خود را آغاز کردند و این راه تا به امروز ادامه داشته است. در حال حاضر ۱۵ هزار و ۸۰۹ مدرسه غیرانتفاعی در ایران مشغول به کار است. که در کل ۶۲ هزار و ۴۰۶ کلاس را پوشش می دهد و بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار دانش آموز در این مدارس مشغول تحصیل هستند. در واقع پس از انقلاب و شکل گیری مجدد این مدارس تنها ۷/۳ درصد دانش آموزان کشور تحت پوشش مدارس غیرانتفاعی قرار گرفته اند. البته این آمار مدارس بزرگسال و پیش دبستانی ها را نیز در برمی گیرد (دنیای اقتصاد فراز و فرودهای مدارس غیر دولتی در ایران و زایش نام بی مسمای غیر انتفاعی به جای ملی و خصوصی) یکی از ادله ای که از مدارس غیر دولتی پشتیبانی می کند برگرفته از آرای نئولیبرالیسم است و معدوی بهترین راه مدیریت یک حکمرانی به سوی توسعه است. اندیشمندان همسو با این نحله فکری با اشاره به اصل ۴۴ قانون اساسی می گوید: "باید به گونه ای عمل کنیم که سیستم آموزش غیر دولتی بیش از نیمی از آموزش و پرورش را در خودش جای دهد." «از لحاظ اقتصادی نئولیبرالها، نقش دولت به عنوان عامل تنظیم اقتصادی را مورد تردید قرار داده بار دیگر بر مزایای نظام رقابت آزاد و بازگشت به اصول لیبرالیسم تأکید کردند» البته سیاستهای لیبرالی متفاوت از سیاستهای نئولیبرالی هستند و تفاوت زیادی به خصوص در امر آموزش و مدرسه در سیاستهای لیبرالی و نئولیبرالی وجود دارد. «تأکید بر تفکرات دیویی در آموزش

غیر مرتبط غیرانتفاعی به جای مدارس ملی و خصوصی است و این مسئله که مدارس و مراکز غیر دولتی بر اساس چه مبانی معقول هستند جای بحث در سر جای خود دارد. مدارس غیرانتفاعی که پیش از انقلاب پا گرفتند با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی منحل شدند و پس از ۱۰ سال با مصوبه دیگری از شورای عالی انقلاب فرهنگی دوباره تشکیل شدند. مدارس خصوصی پیش از انقلاب به نام مدارس ملی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی با اجازه شورای عالی آموزش و پرورش فعالیت می کردند. آموزشگاه های غیردولتی در ایران طبق مصوبه ۱۳۵۰/۹/۱۴ شکل گرفتند و نحوه نظارت بر آنها در این مصوبه تعیین شد. پس از این مصوبه مدارس غیردولتی بر اساس آئین نامه ای که در تیر ماه ۱۳۵۱ به تصویب عالی آموزش و پرورش رسیده بود ایجاد شدند. بر اساس این مصوبه تمام مدارس زیر نظر دولت اداره می شدند ولی هزینه مدارس غیردولتی توسط دانش آموزان و از شهریه ای که از آنها دریافت می شد تامین می شد. شیوه مدیریت این مدارس به صورت هیات امنایی و با ترکیب ۷ نفره تعریف شد. ۳۶ درصد دانش آموزان مقطع ابتدایی و ۶۵ درصد دانش آموزان مقطع دبیرستانی در مدارس خصوصی سال های پیش از انقلاب تحصیل می کردند. با تغییر رژیم در ایران مصوبه دولتی شدن مدارس ملی و خصوصی در دستور کار مدیران دولتی جمهوری اسلامی قرار گرفت و شورای عالی انقلاب فرهنگی با استناد به اصل ۳۰ قانون اساسی مدارس ملی و غیرانتفاعی را دولتی اعلام کرد و بر اساس مصوبه ۱ تیر ماه ۱۳۵۹ تمام مدارس ایران نام دولتی بر خود گرفتند. (مصوبه ۱۳۵۰/۹/۱۴)

دولت جمهوری اسلامی در آن سال ها به دلیل فشارهای سیاسی داخل و خارج نظام یکپارچه مدیریت در بخش آموزش را برای خود تعریف کرد. بر این اساس آموزش در تمام مقاطع تحصیلی فقط بر عهده افرادی گذاشته شد که مورد اعتماد دولت جمهوری اسلامی بودند و دولت مرکزی تربیت نیروی آینده و مورد نیاز خود را به دست آنها می سپرد. به تدریج با سپری شدن بحران های مختلف و با گذشت ۱۰ سال از تصویب اصل ۳۰ قانون اساسی که آموزش رایگان را حق همگانی و تکلیف حکومت می دانست، دولت به پیشنهاد برخی مدیران تغییر رویه داد. با تغییر گرایش در برخی از رده های حکومتی و دولتی در ایران برخی از مسوولان طرحی به نام مدارس غیرانتفاعی را دوباره

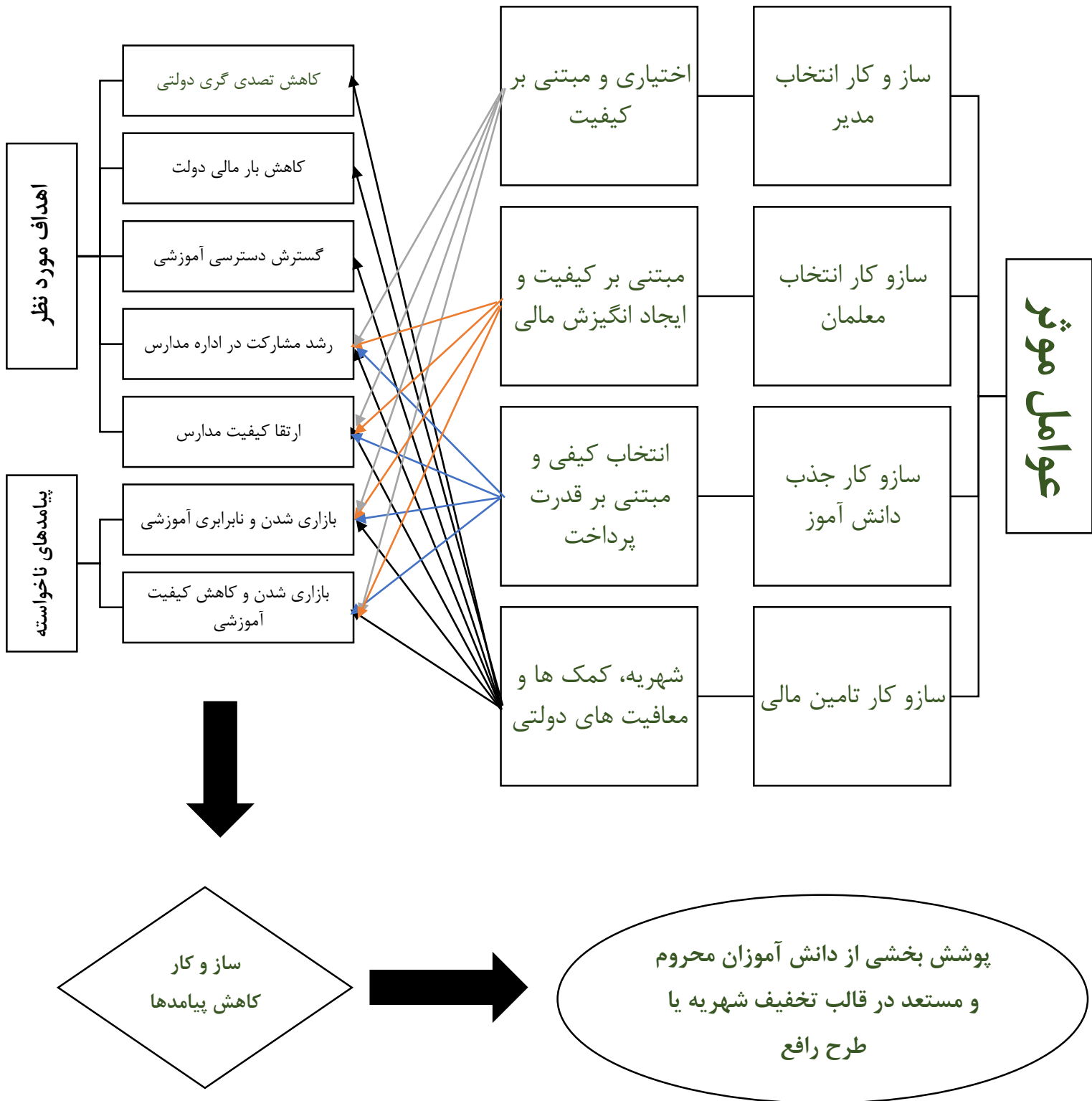
۳۰ قانون اساسی (فراهم کردن آموزش و پرورش رایگان توسط دولت تاکید شده). می کند طبق این اصل، نباید سیاست‌هایی را در پیش گرفت که آموزش، کالایی و پولی‌سازی شود و منطق بازار و سود و زیان بر آن غالب شود و افراد بتوانند آن را خریداری کنند. این وضعیت منجر به کالایی‌سازی و رقابت و در نهایت انحصارطلبی می‌شود و باعث دریافت آموزشی نابرابر خواهد شد که عدالت یکی از قربانیان آن است و مقوم جامعه طبقاتی است که در آن اصول انسانی پایمال و حقوق طبیعت و موجودات دیگر بازیچه سوداگران می‌شود که بررسی هر چه بیشتر آن در زمینه عدالت آموزشی باید بررسی گردد که در این مقال نمی‌گنجد زیرا باید ابتدا به تعریفی دقیق از ماهیت عدالت برسیم که خط و مشی سیاست‌گذاری‌های ما را تعیین نماید. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به طراحی چارچوب تعریف مسئله در تحلیل خط مشی عمومی مبتنی بر قسط مطالعه‌ای در آموزش و پرورش محمد صادق تراب زاده جهرمی). نخله فکری نوینی در میان این دسته از متفکران که تحول خواهان آموزش و پرورش آنان را می‌توان بر شمرد و رویکرد تمدنی دارند قائل به خروج از استیت مدرن در حالت کنونی و ایجاد اقتصاد مردمی و مدارس وقفی هستند که ملزم به طرح ریزی یک شبکه منسجم فکری در این حیطه است و وقفی خواندن مدارس و مرکز خصوصی و غیر دولتی را تنها نوعی از رهنمی می‌دانند .

سازوکار کلیدی تحقق اهداف غایی در حوزه آموزش و پرورش، خط‌مشی‌های عمومی آن حوزه هستند. عدم اتقان مبانی نظری و از سوی دیگر، عدم انسجام کارکردی این خط‌ها، مشی از جمله چالش‌های نظام آموزش و پرورش است. در تحلیل مزایا و معایب ما می‌توانیم از روش ارزیابی واقع‌گرا استفاده کنیم تا انسجام‌های بعد عملی و نظری را مورد تحلیل قرار دهیم و در هم تنیدگی عدالت آموزشی و اقتصاد آموزشی بیش از پیش نمایان می‌گردد. در اینجا علاوه بر بیان مزایا و معایب از نظریه برنامه و ارزیابی آن استفاده شده است تا تصویری کلی به دست آوریم .

و پرورش موجب تأسیس و توجه به سه اصل پیشرفت و تکامل بشری، برابری اجتماعی و کارآیی در امر آموزش شد. از جمله نتایج لیبرال دموکراسی بر نهاد آموزش، موضوع آموزش همگانی است» سیاست‌های نئولیبرالی به سمت نخبه‌گرایی و پرورش گروهی خاص پیش می‌روند و در جهت اعمال این سیاست‌ها مدارس خاص و جداسازی افراد به وجود می‌آید و همچنین به دلیل اینکه باید سودآوری بیشتر باشد، طبیعی است هزینه‌ها به کمترین حد خود برسند تا میزان سود افزایش یابد، در نتیجه طرح‌هایی همچون طرح خرید خدمت به وجود می‌آیند. ایران با داشتن بیش از سیزده میلیون دانش‌آموز و افزون بر یک میلیون معلم، مورد جذاب و سودآوری برای سیاست‌های نئولیبرالیستی است که دائماً در حال بازتولید آموزشی طبقه ای خاص است (رجوع به کتاب آیا آموزش و پرورش جامعه را تغییر می‌دهد؟ مایکل اپل). رویکرد نئولیبرالیسم توانست اندیشه‌های دولت مدار سوسیالیستی، کینزی و غیره را از صحنه خارج کند. با به وجود آمدن بحران رکود در سال ۱۹۲۹ این نظرات با خلل مواجه شد و نظریه‌های جان مینارد کینز بود که در دهه ۱۹۳۰ در پاسخ به کساد بزرگ از اهمیت برخوردار شدند»



در جایگاه انتقادی به این رویکرد که بیشتر مبانی خود را در تقابل با نئولیبرالیسم و خودتنظیمی جامعه توسط ثروت میداند و ارزش‌های انسانی و جامعه اسلامی را طبق فقه نظامیه مغایر با این رویکرد می‌داند و استناد به اصل



**منابع** 

۱. امیری، باقر؛ (۱۳۹۶) گزارش گروه آموزش و پرورش خبرگزاری فارس
  ۲. متوسلی ، محمود؛ آهنچیان، محمدرضا؛ اقتصاد آموزش و پرورش ناشر: سازمان سمت
  ۳. خوش‌صحبیتیان، محمّدامیر. (۱۳۹۳). تسلّط ایدئولوژی بر آموزش: مروری بر تأثیرات نئولیبرالیسم و لیبرالیسم دموکراسی بر محتوا و روش‌های نظام‌های آموزشی. مجلهٔ سورهٔ اندیشه. اسفند و فروردین. شمارهٔ ۷۵-۷۴.
  ۴. سبحانی، حسن. ملکی، بهروز. (۱۳۸۸). ارزیابی گذار اقتصادی تحت آموزه‌های نئولیبرالیسم. مجلهٔ جستارهای اقتصادی. بهار و تابستان. شمارهٔ ۱۱، سال ۶.
  ۵. هاروی، دیوید. (۱۳۸۶). تاریخ مختصر نئولیبرالیسم. ترجمهٔ محمود عبدالله زاده. تهران: اختران.
  ۶. خاکی، محسن؛ درس گفتار اقتصاد آموزش و پرورش، هسته پژوهشی اقتصاد آپ سازمان مرکزی بسیج فرهنگیان ایران
  ۷. تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خط مشی های آموزشی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد ارزیابی برنامه
  ۸. هاروی، دیوید. (۱۳۸۹). آیا دوران نئولیبرالیسم به پایان رسیده است؟ مجلهٔ سیاحت غرب. آبان، شمارهٔ ۸۷.
  ۹. حسین قاسمی، علی. (۱۳۸۱). جهانی شدن و اطلاعات. مجلهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی. تابستان، شمارهٔ ۱۸.
10. <https://www.isna.ir/news/1401020300966/>

**نویسنده: شاهین کیارش پور**

نظریه‌ی برنامه‌ی اداره‌ی غیر دولتی مدارس (تحلیل و انسجام نظریه‌ی عدالت در خط مشی‌های آموزشی جمهوری اسلامی ایران رویکرد ارزیابی نظریه‌ی برنامه‌ی حسن دانایی فرد و محمد صادق تراب زاده‌ی جمهوری) سنجش میزان پیشرفت در اقتصاد آموزشی کار بسیار دشواری است زیرا هم در ابتدا نیاز به تعیین ماهیت اقتصاد آموزشی که با رویکرد اسلامی اندیشمندان سعی در تحول آن دارند جلوه بسیار ویژه‌ای به خود می‌گیرد و نوعی نگاه اقتصادی سیاسی اجتماعی که با هم در هم تنیده است به خود می‌گیرد و پیرو این مقدمات فاکتور ها و معیار های گوناگونی که بسیار اعم تر از اقتصاد آموزش و پرورش که در نگاه عرف وجود دارد به خود می‌گیرد. در این جا با توجه به رویکرد رایج و عرفی که در مقاله تعریف کردیم بر آن شدیم تا کنکور را هرچند مغالطات بسیاری پیرو آن مطرح می‌گردد همانند بازتولید فرهنگی سرمایه داری ، ناکارآمدی ، سنجش نامناسب استعداد ها و حتی در نگاه کلان تری علم اقتصاد را فریب بزرگ و علم نما دانست که رویکرد های ریاضی مورد بررسی عمیقی قرار گرفتند. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب فریب بزرگ علم اقتصاد یا علم نما دکتر مسعود درخشان با ترجمه و تعلیقات دکتر عاطفه تکلیف) به عنوان معیار برگزینیم. طبق این دیدگاه که خود بنده اظهار دارم مستشکل از طرح نقد بر آن درماندگی حس نخواهد کرد. در ریز عنوان این معیار به علت عدم توازن و تعادل می‌بایست بر مبنای نتایج آزمون سراسری سال ۱۴۰۰ استان‌های تهران، البرز، سمنان و یزد در رده اول میزان قبولی‌ها در کنکور قرار دارند که در این میان استان یزد با ۱۸٫۹ درصد قبولی استان اول است. (ایسنا) که با توجه به توسعه زیر ساخت های اقتصادی آموزشی در برخی از استان ها این آمار شگرف جلوه می‌نماید و نیاز به تفکر و بررسی عمیق تری می‌باشد.